



۲۰۱۳/۱۲/۲۱

عبدالحمید سامع

بخوانید اگر نخوانده باشید! «خدمات مخفی - برگشت متقاعدین»

«شپینگل» در شماره ۴۵ سال ۲۰۰۱م تحت عنوان: «خدمات مخفی - برگشت متقاعدین» می نویسد که بعد از یک «عارضه نمایشی، سی.ای.ای.» در سایه جنگ "به تجهیز و افزایش قدرت" میپردازد. با نشر این تصویر از مقر مرکزی



«سی.ای.ای.» در (لنگلی-ورجینیا) «VIRGINIA-LANGLEY» در سطر پائینی تصویر می نویسد: «شناسائی کرد و به دام انداخت.»

آنچه ممکن قابل توجه باشد، یکبار ببینید که در دنیای امروز افراد از چه طریق و با استفاده از کدام امکانات، به شهرت، نام و «ثروت» می رسند، در رابطه با «قدرت سیاسی» چه نوع می اندیشند. این همه «مداحان» خوش آواز مذهبی و غیر مذهبی را چه مرجعی تمویل می کند. این همه وکالتنامه ها را، بنام حامی منافع مردم افغانستان به چه قیمت "صکوک" بدست می آورند. «نو - هاو» خود را از «کجا» و بر طبق کدام جدول زمانی و با کدام مصوونیت بدست می آورند. وقتی این گزارش بتاریخ ۵ «نومبر» ۲۰۰۱م منتشر می گردد، دقیق ۲۹ روز از «جنگ علیه تروریسم» در افغانستان، که از همه اولتر قوای «هوایی» ایالات متحده آمریکا و «برتانیه» آغاز نموده بودند، می گذشت.



متن اصلی این گزارش را مجله چنین آغاز نموده است: «عبدالحق یک جنگ سالار افغان، به سلیقه امریکائی ها بوده است. پشتون با نفوذ، بزبان انگلیسی خوب صحبت می کرد و «کولا لایت»، «می نوشید.» (در سطر زیرین عکس: «رهبر پشتون ها "حق"، "انگلیسی و کولا لایت"»). در وقایع سیاسی، نزد صاحبان قدرت، مشابه به «کارفرمایان» بخش اقتصاد، حاصل محاسبه نهائی، رقم «سود و منفعت»، از اهمیت برخوردار است.

در «برگشت متقاعدین» حتماً، مانند، جلب «افسران و یا عساکر احتیاط» نه، بلکه با دقت لازم صورت می گیرد. زیرا همین انتخاب سال ۲۰۰۱م، زمانی با برادران خویش، از جمله «قوماندانان» سر شناس، «حزب اسلامی (خالص)» و از همقطاران، «بنیادگرای»، «مولوی جلال الدین حقانی»، مربوط همان «تنظیم» محسوب می گردید. «حقانی» و دسته «مسلم» او، «مهر متحدین» «طالبان»، «القاعده» و «حزب اسلامی (کلیدین حکمتیار) را بر پیشانی حمل می کنند، همه «شعار» ضد امریکائی سر می دهند و به عملیات «انتحاری» در تحت نام «ضدیت با آمریکا و قوای خارجی»، مبادرت می ورزند. بر سر هر یک ازین «برادران قدیمی اخوانی» «جائزه پولی» برای آوردن سر آنها، «زنده» و یا «مرده»، از جانب «قدرت بزرگ»، گذاشته شده است. این چنین «رویه» را رویه ای گویند که بر حسب آن، معتقد اند که «دوست دائمی و دشمن دائمی» وجود ندارد.

فقط آنچه «دائمی» بوده می تواند، «منافع» و یا «منافع ملی» است. برای تشخیص و شناخت منافع ملی، نیازمندی لازم به درک دقیق از ماهیت و مفهوم «ملی» دیده می شود. به ادامه این گزارش، که تفهیم از «برگشت» متقاعد، در «جنگ علیه تروریسم»، هدف گزارشگر را تشکیل می دهد، نظر اندازید. مجله در باره «عبدالحق» می نویسد که: «او علیه اشغالگران شوروی، رهبری جنگ را بدوش داشت، بعد به تبعیدگاه "دوبی" رفت، تصدی «صادرات - واردات» را ایجاد کرد، حال می خواست در سقوط طالبان سهم بگیرد. با رشته های ارتباطی مخصوص، در پشاور، جانیکه «طلا جویان» و برندگان جنگ، در قطار مقام ها و مراتب جای گرفته اند، برادران "یوسف" و "جیمز" «ریچی» نیز "قدم گذاشته اند، دو تاجر معاملگر ثروتمند از "شیکاگو"، که در افغانستان بزرگ شده اند. سومین

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

امریکائی، درین اتحاد، زمانی مشاور "امنیت ملی، رونالد ریگن"، بنام «رابرت میک فارلن» یاد شده است، که خود را یک «مشاور غیر رسمی "حق"» نامیده است. در همین گزارش هم چنان تذکر داده می شود که: «سی.آی.ای.» در نهایت در برابر این افغان و پیروان و همراهان او بی اعتماد بوده است. "اجنت"های خدمات مخفی، «حق» را یک شخص "خود نما" و شخصی "خارج از صحنه" می دانسته اند. در مورد «قوماندان عبدالحق» مدعی بوده، گفته شده است که «او "لاف" زد، که گویا می تواند با اعتبار و نفوذ خود، طرفداران و پیروان "طالبان" را از آنها دور سازد. بهر صورت، حکومت امریکائی در آزمون انواع علاقمندی به جذب "مرتدین و رافضین" و یا "عدول کنندگان"، از بین افغان ها بوده است. حکومت، محتاج به خبر "موقیت" بوده است، زیرا خطر، بی نتیجه شدن "بمب باران های دوامدار» بنظر می رسیده است، اتحاد شمال به هیچ صورت، یک متحد پیروزمند شناخته نمی شد، که در برابر طالبان مقاومت قابل ملاحظه از خود نشان می دادند.» («شپیگل»، شماره ۴۵، سال ۲۰۰۱م، صفحه ۱۵۸)

همین منبع ادامه داده می نویسد «زمانیکه "حق" اسلحه، آله مخابره و یک "هلیکوپتر" تقاضا نمود، تا او را از پشاور به منطقه شرق افغانستان بوسیله "پرواز" عبور دهند، "سی.آی.ای." خواهش او را رد نموده است. "اجنت ها" در پشاور برایش در عوض یک "تلیفون ستالایت" پیشکش کردند، از جمله خودش حاضرآ یک تعدادی از آن نوع را مالک بوده است. بهر صورت، "میک فارلن" زمانی داستان را چنین حکایت نمود، بعد از آنکه طالبان "حق" را در یک دام یا کمین دستگیر نموده، اعدام کردند. بدین ترتیب این خدمات مخفی، خود راضی و خود صفت کننده مغرور، قدرت بزرگ امریکا، بار دیگر بحیث در مانده و ناتوان شناخته شد: وضعیت را نا درست ارزیابی نمود، در وقت خطر مرگ، کمک بموقع نفرستاد، پیروزی را نصیب دشمن ساخت.

"سی.آی.ای." با بزرگترین فاجعه قابل اندیشه، بتاریخ ۱۱ سپتمبر مقابل گردید، زمانیکه "خدمات مخفی"، جزئی ترین علامت روشنی، در باره حمله پلان شده تروریستی در "نیویارک" و "واشنگتن" نداشته است. رئیس "سی.آی.ای."، «جورج تینیت»، در دوام مأموریت خود، در قدم اول باید، تنها مرحون جبر "پاتریوتیزم" و قربانی دستگاه دولتی باشد. (توجه: این جمله تکرار با همچو رنگ در وسط صفحه مجله برجسته ساخته شده است.) «حال کارمندان خدمات مخفی دوباره اجازه دارند، آنچه ۲۵ سال برای آنها ممنوع بوده است، انجام دهند: یعنی قتل کنند.» «با وجود همه تضاد و تناقض، باز هم در جنگ علیه تروریسم، زمینه تجدد و "رنسانس" غیر منتظره را ایجاد نمود. چنانچه حاضر در ماه "سپتمبر"، «جورج بوش» (GEORGE W. BUSH)، امریه ای را به امضاء رسانیده است، که بر طبق آن، "سی.آی.ای." به شکار "اوساما بن لادن" و تخریب و نابودی "القاعده"، صلاحیت داده شده است. برای عملیه سرپوشیده، یک میلیارد دالر در اختیار خدمات مخفی قرار داده شده است. برای اینکه "رد پای" «بن لادن» "تشخیص و تعقیب شود. آنطوریکه رئیس جمهور، سلسله عمل را آرزو نموده است، بایدرمتهم "با دود آلوده و پخته" و یا به "بند" کشانیده شود. این چنین بیان و تقریر، عبارت و تکیه کلام غربی های یاغی شناخته شده است. رئیس جمهور لازم دانسته است تا "اجنت ها" و نظامیان در افغانستان یکجائی کار کنند، بجای اینکه طبق معمول علیه همدیگر، با عدم توجه و عدم احترام یکدیگر را جزا دهند.

حال کارمندان خدمات مخفی دوباره اجازه دارند، آنچه ۲۵ سال برای آنها ممنوع بوده است، انجام دهند: یعنی قتل کنند. رئیس جمهور وقت، «جیرالد فورد»، در سال ۱۹۷۶م در تحت فشار افکار عامه، فرمانی را به امضاء رسانید، که کارمندان خدمات مخفی را از وظایف کشتن منع نمود. بعد از جنگ ویتنام و بعد از «قضیه واترگیت»، بر ملا گردیده بود، که "اجنت" های امریکائی، کم از کم هشت مرتبه تلاش نموده بودند، تا «فیدل کاسترو» را بقتل برسانند. در افغانستان "سی.آی.ای."، در یک رقابت آرزویی یا «آیدیال» با "جنگ سالاران" قرار دارد. "اجنت" هاییکه در ساحه جنگ و هم در قسمت های خاک پاکستان، وظایف دوباره تصحیح شده را انجام می دادند، باید رهبران محلی، علمای مذهبی و بزرگان اقوام را معتقد می ساختند، که آینده با امریکا، نه با طالبان نهفته است. لازم بود هر یک از صحبت شوندگان، پس از قتل "حق"، روی این نقیصه، دو مرتبه می اندیشید.

بهر حال، یکتعدادی از ضعف های مصیبت آمیز "سی.آی.ای." بر ملا میگردد: خدمات، تخنیک زیادی از "ستالایت" در کیهان، از طریق مرکز تحلیل و تجزیه در "لنگلی" (ویرجینیا)، در اختیار دارد، اما نه "اجنت های" کافی، که مانند ماهی در آب در حرکت باشند و به زبان کشوریکه در آن توظیف می شوند، تسلط داشته، "کلتر" آنها را بفهمند.

بعد از ۱۱ «سپتمبر»، در جمله ۱۸۰۰۰ همکار در "دستگاه" «سی.ای.ای.»، فقط یک فرد وجود داشته است، که پشتوی روان صحبت می نموده است، او به وزارت خارجه تبدیل شده بود. در مرکز، یک شخص برای عربستان سعودی مسؤول بوده است، که هیچ عربی تکلم نمی توانسته است. کمبود بزرگ انتخاب در خدمت، در "مارکیت کار" موجود بوده است: بصورت اوسط، می توان تجربه هم یاد کرد.

درین اواخر، "سی.ای.ای." یکتعداد اجنت های متقاعد" را، در محلات مؤثر قبلی، قبل از همه در شرق میانه، در منطقه "خلیج پارس"، دوباره اعزام نموده است. زیرا با محل بلدیت داشته اند، جاهائیکه تروریزم می شگوفد. خدمات، در "سایت" آن. (www.cia.gov)، افرادی را که، عربی روان و پشتوی یا دری روان صحبت کنند، جست و جو دارند. حال بار دیگر پذیرش "اجنت هائیکه" محکومیت "جرایم قبلی" را از گذشته هم داشته باشند، صورت می گیرد. همه چیز مانند سابق؟ این مرتبه رئیس جمهور نمی تواند انکار کند، که بر طبق امریه او چه صورت گرفته است. هم چنان نه، اگر چیزی کج رود. (همانجا، گزارش دهنده: «گیرهارد شپورل» (GERHARD SPÖRL) – ختم رونویس گزارش.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ